

بحران هسته ای یا بحران بهانه هسته ای

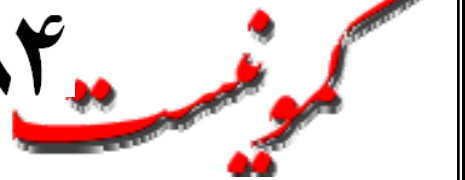
میکند. و مهمتر اینکه، به عکس توهم پراکنی ایزیسون راست ایران، نه از سرگونی جمهوری اسلامی، بلکه از "در رفتن" آن از زیر تیغ جنبش سرگونی حرف میزنند. استراتژیست
صفحه ۳

آمریکا صحبت از کشتار ده ها هزار نفر از مردم ایران، ویرانی کامل بنیاد های اقتصادی و صنعتی ایران، عقب گرد جامعه ایران و کل خاور میانه به عمق ارتجاع اسلامی و تروریسم لجام گسیخته آمریکائی و اسلامی

نظامی شدن فضای خاورمیانه زیر فشار نظامی آمریکا بار دیگر جهان را در مقابل خطر یک جنگ خانمان برانداز و نابود کننده قرار داده است. "بهترین" و "خوشبین ترین" استراتژیست های نظامی

جمعه ما منتشر میشود

۸۴



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: کوروش مدرسی ۲۶ اسفند ۱۳۸۴ - ۱۷ مارس ۲۰۰۶

www.hekmatist.com

ایرج فرزاد

عدالت دلخواه: مادر اسلام سیاسی قتل، آدم ربائی، تروریسم و تحقیر فلسطینیان تا کی؟



صبح روز سه شنبه این هفته نیرو های ارتش اسرائیل با بهره گیری از هلیکوپتر و تانک و با هماهنگی و همکاری آمریکا و انگلیس به زندان "اریحا" (جریکو) متعلق به فلسطین حمله کرد. در نتیجه تیراندازی نیروهای ارتش اسرائیل دو زندانی فلسطینی کشته و ۴۵ نفر دیگر زخمی شدند و همگی به اسارت گرفته شدند.

بهانه و توجیه این آدم ربائی آشکار و این تروریسم بی پرده دولتی، گرفتن "احمد سعادت"، دبیرکل "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" بود که در این زندان بسر میبرد.

پس از به اسارت درآوردن "احمد سعادت" و دیگر زندانیان فلسطینی و نیز به اسارت گرفتن ۲۰۰ نفر از نیروی پلیس تشکیلات خودگردان فلسطین، زندان اریحا با خاک یکسان شد.

دولت اسرائیل با نهاد بنه کردن نژاد پرستی و نمایندگی یک تروریسم افسار گسیخته دولتی که به هیچ مرجع و نهادی پاسخگو نیست، با قتل، تحقیر و پاک سازی قومی سیستماتیک علاوه بر اعمال شنیع ترین حق کشی بر چندین نسل از مردم فلسطین و راندن آنها به موقعیت پست در جامعه،



خود عامل اصلی گسترش تروریسم و دامن زدن به پاک سازی قومی، توسعه تروریسم اسلامی به عنوان "مقاومت" مشروعیت بخشیدن به آن است. اما مسئله تنها این نیست. مسئله این است که بیش از

صفحه ۲

ضمیمه : سازمانده کمونیست شماره ۱۱

چپ فرقه ای و سازمانهای غیر حزبی، کوروش مدرسی
۸ مارس، اسد گلچینی
سازمان حزب و واحدهای گارد آزادی، بهرام مدرسی



koorosh.modarrei@gmail.com

نوروزتان پیروز!

پرست و ماجراجو هستی و جامعه ما را در مقابل یکی از خطرناک ترین لحظات تاریخ مان قرار داده است. حمله

مردم آزادبخواه ایران! از طرف حزب کمونیست کارگری - حکمتیست نوروزتان را تبریک میگویم. امسال در شرایطی به استقبال نوروز میرویم که از یک طرف جمهوری اسلامی احمدی نژاد عصاره ارتجاع، عقب ماندگی و فقر خود را در مقابل جامعه قرار داده است و از طرف دیگر آمریکا همگام با دارودسته های قوم

صفحه ۳

بیانیه

"دفاع از آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان"

صفحه ۴

نشست کمیته خارج کشور حزب حکمتیست برگزار شد

صفحه ۴



soraya_shahabi@yahoo.com

ثریا شهابی در دفاع از آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان

نامه سرگشاده به تهیه کنندگان، بیانیه "همه با هم علیه توتالیتراریسم نوین!"

صفحه ۲

رحمان حسین زاده

کارگران شرکت واحد نباید تنها بمانند

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قتل ...

دردانه دولت آمریکا و ژورنالیسم نوکری است که به آمریکا حق قضاوت سره از ناسره را در دنیا داده اند.

در حمله به زندان اریحا، دولت اسرائیل نشان داد که تا زمانی که خود را بر اساس قومیت یهود و نفی بی پرده حق مردم فلسطین برای برخورداری از دولت مستقل تعریف میکند، نشانی از فروکش موج تروریسم و برقراری صلح و امنیت وجود نخواهد داشت.

حل بحران خاورمیانه و برون رفت از کلاف سردرگم مشکل فلسطین، بدون حمایت دولتهای آمریکا و انگلیس از تروریسم دولتی اسرائیل، دورنمای روشنی ندارد. نقشی که دولتهای آمریکا و انگلیس در پورش بی رحمانه ارتش اسرائیل به زندان اریحا بر عهده گرفتند، این حقیقت تلخ و گزنده را فریاد میزند. آیا باز ناظر عملیات تلافی جویانه جنبش اسلامی در بمب گذاری ها و عملیات انتحاری در اتوبوس حامل دانش آموزان و معابر و میدان شهرهای اسرائیل زندگی شهروندان اسرائیلی و یا ربودن و گروگان گیری و سر به نیست کردن فلان شهروند غیر نظامی غربی در بیروت و فلسطین خواهیم بود؟

آیا دورنمایی برای خروج از این کابوس هر روزه تروریسم رسمی و این نژاد پرستی دولتی و سیاست بولدورز و اشغال نظامی و قتل و آدمربائی و بی ثباتی و ناامنی در این منطقه خاورمیانه متصور است؟



نامه سرگشاده ...

توضیح کمونیسیت: این نامه در ارتباط با نامه دسته جمعی عده ای از روشنفکران و ژورنالیست ها نوشته شده است که در اعتراض به تحرک اسلام سیاسی در جریان کاریکاتور محمد خود را به سنت جنگ سردی و ضد کمونیستی مبارزه با "استالینیسم" و مبارزه علیه "توتالیتراریسم" وصل کرده اند و مدعی شده اند که بعد از فاشیسم و استالینیسم اسلام سیستم "توتالیتر" جدید است. این بیانیه مورد اعتراض جریان آزادی کارگران (worker's liberty) در انگلیس هم واقع شده است بیانیه توسط افراد زیر امضا شده است: آیان هیرسی علی، شهلا شفیق، کارولین فارست، برنارد هنری لوی، ارشاد منجی، مهدی مظفری، مریم نمازی، تسلیمه نسرین، سلمان رشدی، فیلیپ وال، ابن وراق، آنتونی سفیر دوستان عزیز!

انتشار نامه ای به امضا شما، تعدادی از نویسندگان، ژورنالیست ها و روشنفکران، در دفاع از حق انتقاد به اسلام، میتوانست برای همه آزاد اندیشان موجب خوشحالی و دلگرمی شود اگر خود را با جهان بینی ایدئولوژی جنگ سرد همراه نمی کردید.

این بیانیه میتوانست از جانب من و امثال من، که پیش از بیست و پنج سال است در ایران و عراق رودر رو در جدال با اسلام سیاسی مشغول مبارزه و کار آگاهگرانه هستیم مورد حمایت قرار گیرد، اگر یک لبه آن علیه ما نمی بود.

متأسفم که باید اعلام کنم که بیانیه شما، هر اندازه هم که با حسن نیت نوشته شده باشد، دو بیانیه تحت یک نام است. سندی است که بخش اعظم جنبش دفاع از آزادی عقیده و بیان در ایران و عراق را مورد حمله قرار میدهد.

اعلام کرده اید که "جهان پس از پیروزی بر فاشیسم، نازیسم و استالینیسم، در مقابل تهدید دیگری از نوع توتالیتر قرار گرفته که اسلام گرایی نامیده می شود." این حکم، از نوع خاصی از تفکر، نگرش به تاریخ و تحولات سیاسی و از نوع خاصی ایدئولوژی نشأت میگیرد و سنگر خاص و شناخته شده ای علیه کمونیسیم بطور کلی است.

از قلم افتادن و عدم مرزبندی تان با "همه انواع اسم ها" که از قلم افتادن "صهیونیسم" و "مک" "تاجریسم" و "مک" کارتریسم" را نمی توان ناشی از "کم دقتی" دانست. بیانیه شما متکی به ایدئولوژی و "ایسمی" است که در تمام طول جنگ سرد کاربرد خود را داشت. متکی به تبیین در ادامه کمپین جنگ سرد علیه کمونیسیم است که به آن نام "استالینیسم" داده شد، نگرشی که در دفاع از سرمایه داری بازار آزاد، خود را آنتی "توتالیتراریسم" معرفی کرده.

در نتیجه بیانیه شما تنهها اعلام محکومیت اسلام سیاسی نیست. بلکه همچنین ادامه جنگی است که از قبل علیه کمونیسیم و کمونیسیت ها در جریان بوده است. مسئله بر سر لغات نیست. هیچ انسان آزادخواهی نسبت به سرکوب و اختناق دوران استالین و یا نسبت به حکومت های مستبد، و بقول شما توتالیتر، بی تفاوت نیست و ما بخش اعظم کمونیسیت ها، که طی دوران جنگ سرد به عنوان استالینیسم مورد تکفیر قرار داشته ایم، بیش از همه منتقد و قربانی سیستم استالینیسم و حکومت های "توتالیتر" بوده ایم و همین امروز در عراق و ایران قربانی

اسلام سیاسی هستیم و درگیر نپردی سخت و تا پای جان با آن. مسئله بر سر این است که دنیای سرمایه داری علیه کمونیسیم، علیه طبقة کارگر و علیه بشریت تمدن خود را زیر همین پرچم بیانیه شما مخفی کرده است. شما احتیاجی نداشتید به این پرچم راست و جنگ سردی پناه ببرید.

یک لبه بیانیه شما مستقیماً علیه کمونیسیت هائی است که امروز در مقابل اسلام سیاسی ایستاده اند و با همین پرچم مورد تعرض راست ترین جریانات هستند این بیانیه در ادامه تلاش راست از تجاعی ای قرار میگیرد که درست با همین پرچم، کمونیسیم را در کنار فاشیسم قرار داده و در پارلمان اروپا، درست با همین عبارات، میخواهد کمونیسیم را غیر قانونی اعلام کند.

چرا باید برای مقابله با خفگان اسلامی در سراسر جهان، جنبش ضد کمونیسیتی را مورد حمایت قرار داد؟ آیا این باج دهی سیاسی و ایدئولوژیک به راست "بعد از فرو ریختن دیوار برلین" نیست؟ آیا برای مقابله با توحشی که در جهان براه افتاده است، این باج دهی لازم است؟

گمان نمیکنم. همانطور که تئوری "نسبیت فرهنگی" با باج دهی به اسلام سیاسی به بهانه "احترام به همه فرهنگها" نه تنها نتوانست علیه راسیسم سدی بسازد که بعکس خود منشا راسیسم "جدیدی" شد، این بیانیه هم نخواهد توانست در مقابل گسترش دامنه اسلام سیاسی، سدی بسازد.

بی تردید ما و شما لازم نیست که در تجزیه و تحلیل دلایل عروج اسلام سیاسی و تحولات سیاسی در جهان، در مرزبندی با تمام ایسم ها و جنبش ها، همفکر و هم

ایدئولوژی و هم نظر باشیم تا بتوانیم در کنار هم در دفاع از آزادی بدون قید و شرط عقیده و بیان قرار بگیریم.

تصور وجود جنبشی که در آن همه با هر عقیده و مرامی، مسلمان، یهودی، آبتنست، اومانیست، سوسیالیست، کمونیسیت، ضد کمونیسیت، فاشیست، بتوانند از مبارزه فکری - سیاسی، حق نقد و شک و جستجو، در یک فضای آزاد و امن سیاسی دفاع کنند، سخت نیست! این دستاورد عصر روشنگری و گنجینه تمدن بشریت است که مورد هجوم قرار گرفته است متأسفانه بیانیه شما با این هجوم شریک شده است.

تنها جنبشی با بیانیه ای که از خواست آزادی بدون قید و شرط عقیده و بیان، با هر جهان بینی و نگرش و تجزیه و تحلیل، دفاع میکند است که میتواند در مقابل تعرض عنان گسیخته جریان اسلامی سنگر محکمی بسازد. این تنها راه جدی و موثر برای ایجاد فضای امن و آزاد در ابراز عقیده و بیان، است. این آن جنبش مترقی است که حافظ دستاوردهای بشر تمدن است.

تا آنجا که به ما مربوط است ما در ایران و عراق و در سراسر جهان پلاتفرم دفاع بی قید و شرط از آزادی عقیده و بیان و پرچم "بیانیه حقوق جهانشمول انسان" را بلند کرده ایم و از جهانشمول بودن حقوق انسان دفاع میکنیم. از شما دعوت میکنیم که به این پلاتفرم بپیوندید. این صف واقعی مبارزه علیه اسلام سیاسی است.

۸ مارس ۲۰۰۶

ترياشهای

عضو دفتر سياسي حزب کمونیسیت گارگری - حکمتیست

نویسنده و فعال حقوق زنان و کودکان

حرکت درآمد و جان تازه ای به کمپینهای مختلف حمایت از کارگران شرکت واحد داد. سازمانها و نهادهای بین المللی کارگری و انسانی و همه جریاناتی که ایندوره در کنار کارگران شرکت واحد بودند رادوباره به اعمال فشار علیه جمهوری اسلامی فرخوان داد. کمپین ها، نهادها و سازمانهای مختلف میتوانند با یکی کردن اقدامات و برداشتن گامهای مشترک قدرت این کمپین را گسترش دهند.

باید جنبید و کارگران شرکت واحد نباید تنها بمانند.



شهرداریها و علاوه بر آن مردم تهران هم لازم است از کارگران شرکت واحد حمایت کنند. باید برای آزادی فوری اسانلو و همراهانش، لغو حکم اخراج اعلام شده و بازگشت به کار همه کارگران و به رسمیت شناسی سندیکای کارگران شرکت واحد و انعقاد قرارداد دسته جمعی دست در دست هم گذاشت و تعرض جمهوری اسلامی را پس زد.

ما راهی جز به میدان آمدن متحدانه و متشکل در مقابله با جمهوری اسلامی و اعمال فشار علیه آن را در داخل و خارج نداریم. باید به نیروی خودمان اتکا کنیم و اقدام کنیم.

در سطح بین المللی هم باید با همین خواستها دوباره به

شده و دولت ضد کارگر و ضد انسان جمهوری اسلامی با اتکا به قلدری نیروی سرکوب و مانوورها و توطئه های خانه کارگر و شوراهای اسلامی جنگی نابرابر را بر کارگران شرکت واحد تحمیل کرده اند.

علیرغم سرکوبگری ها، فشار و زندان و مانوورهای جمهوری اسلامی جنب و جوش مبارزاتی کارگران شرکت واحد و حمایت کنندگان این مبارزه ادامه دارد. اعتراض و مبارزه کارگران شرکت واحد هنوز یکی از موضوعات سیاسی و مبارزاتی تعیین تکلیف نشده فضای سیاست ایران است.

نفسی اعلام اخراج ۴۶ نفر از کارگران شرکت واحد و در زندان ماندن اسانلو و

کارگران واحد...

تعرض سبعانه دولت و گردانندگان شرکت واحد علیه کارگران مبارز این بخش کارگری ادامه دارد. چندی قبل حکم اخراج ۴۶ نفر از کارگران شرکت واحد صادر شد. تقریباً همه اعضای رهبری و فعالین اصلی سندیکای کارگران شرکت واحد شامل حکم اخراج شده اند. منصور اسانلو و ۷ تن دیگر از اعضای هیئت مدیره هنوز در زندانند. به بخش عمده کارگرانی که در جریان اعتصاب و مبارزه اخیر دستگیر و بعداً آزاد شدند، اجازه بازگشت به کار را نداده اند. حق طلبی و تلاش برای کسب مطالبات فوری و حق ایجاد تشکل و سندیکا جرم کارگران شرکت واحد اعلام

نوروز ...

آمریکا میتواند به مصیبت جمهوری اسلامی ابعاد دهشتناک تری بدهد. تهران را به بغداد دوم و ایران را به عراق دوم در ابعادی به مراتب عظیم تر تبدیل کند.

شادی، این پایه ای ترین و بدیهی ترین حق انسان، هیچگاه اینقدر دور از دسترس به نظر نمی آید. دنیا هیچگاه اینقدر قابل شاد زیستن نبوده است و هیچگاه اینقدر برای اکثریت مردم جای محنت زانی نبوده است. انگار همه نیرو های تباهی و محنت دست اندکارند تا دنیا را برای همه انسانهای شریف جهنم کنند.

اما نوروز روز امید، روز شادی است. نوروز باید روزی باشد که عزم میکنیم که به این تباهی، به این غم و اندوه، به این زندگی محنت بار روزی را به روز دیگر رساندن خاتمه میدهیم. مانند سال گذشته اعلام میکنیم که یوروز روز شادی، روز آزادهای خوب، روز لباس نو و امید نو، روز امید به دنیای بهتر است. نوروز روز دفن غم و سیاهی است. نوروز جشن انسانیت، شادی و آرزوهای انسانی، مستقل از قومیت، رنگ، نژاد، مذهب و عقیده است. نوروز روز دفن جمهوری اسلامی سمبل غم و تباهی است.

این روزها باید کنترل زندگیمان را از دست قوانین خدا و نمایندگان او، جمهوری اسلامی در زمین در آورد. جشن های هرچه وسیعتر و شادتر، هرچه باز تر و علنی تر و ظاهر شدن هرچه آزاد تر برای چند روز هم که شده ما، یعنی انسانیت، را بر جمهوری اسلامی تحمیل خواهد کرد.

باشد تا سال ۱۳۸۵ را به سال بنیاد نهادن جامعه ای که در آن انسان، حق انسان، و شادی و سعادت انسان مبنای تبدیل کنیم.

زنده باد شادی مردم

زنده باد آزادی و برابری

زنده باد سوسیالیسم

کوروش مدرسی

اسفند ۱۳۸۴

بحران ...

های " واقع بین " تراعداد و نتایجی به مراتب بزرگ تر و مهلک تر را پیش بینی میکنند.

این جنگ جامعه ایران، کل منطقه خاورمیانه و جغرافیای سیاسی جهان دستخوش تغییرات بنیادی میکند. فشار نتایج این جنگ به دولت ها و کشورهای ارتجاعی که " دوست " دولت آمریکا نیستند محدود نمیشود. این فشاری در ابعاد بسیار مگر بار تر به همه دولت هائی که نسیمی از آزادی خواهی در آنها میوزد و به همه جنبش برابری طلبانه و آزادخواهانه جهان، که خود را در مقابل منافع و سیاست دولت آمریکا می یابند، وارد خواهد داشت. به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک دیوار برلین دیگری است که بر سر آزادی خواهی و برابری طلبی در دنیا خراب خواهد شد. حمله نظامی آمریکا به ایران نتایجی را به بار خواهد آورد که چهره سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک جهان را برای مدت طولانی تغییر خواهد داد.

خطر جنگ فی الحال فضای سیاسی ایران را قطبی کرده است. اما تحقق آن رابطه تمام نیروهای سیاسی ایران را به شکلی تماماً متفاوت باز تعریف میکند. نتایج این جنگ رابطه طبقات اجتماعی و احزاب سیاسی مختلف را به شکل غیر قابل بازشناسی تجدید تعریف میکنند.

همانگونه که در مقابل جمهوری اسلامی رابطه نیروهای سیاسی چون اکثریت، حزب رنجبران و حزب توده با سایر نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، برای همیشه، تغییر کرد، همانطور که در جنگ اول جهانی رابطه سوسیالیست دموکراسی با کمونیسم از پایه تغییر کرد و دو طرف این جدال ها در دو سوی جدال عمیق طبقاتی و اجتماعی از هم فاصله آشتی ناپذیری گرفتند، در جنگ کنونی هم فاصله احزاب و جنبش های سیاسی از هم عمیق، طولانی، خصومت آمیز، آناگونیستی و دائم (permanent) خواهد شد.

در این رابطه وظیفه هر حزب کمونیستی و وظیفه طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی این است که این شکاف و این جدائی را در جهت منفعت بشریت و منافع طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی آن سوق دهد و راست ترین و ارتجاعی ترین نیروهای جامعه ایران را هرچه منفرد تر و منزوی تر

کند. یک پایه اساسی وظیفه کمونیست ها در این رابطه آشکار کردن معنی واقعی این جنگ و دروغ پردازی های بورژوازی و زورنالیسم و روشنفکران نوکر و عسارت پردازی های ناسیونالیستی، اسلامی و ارتجاعی طرفین این دعوا و افشای بیرحمانه آن است.

ما، که در دو حمله اول و دوم آمریکا به عراق و اشغال این کشور موضوعی کاملاً متمایز و انترناسیونالیستی داشتیم، ناسیونالیسم کرد، فارس، عرب و اسلام سیاسی را به نقد کشیدیم و افشا کردیم؛ امروز باید همان شفافیت و تیزی منصور حکمت، بار دیگر در شرایطی که خود ما مستقیماً موضوع این سیاست گذاری هستیم، منفعت جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر را نمایندگی کنیم.

اگر در دو جنگ گذشته آمریکا علیه عراق مسئله برای بسیاری از کمونیست های ایران، مسئله ای " دور دست " و " نظری " بود، اینبار مسئله تماماً عملی است و در بطن خود رابطه انقلاب و ضد انقلاب، رابطه آزادی خواهی و ضد آزادی خواهی، رابطه برابری طلبی و ضد برابری طلبی، رابطه طبقه کارگر با بورژوازی و بالاخره رابطه ناسیونالیسم با انترناسیونالیسم را تعریف خواهد کرد. باید به استقبال این جدال رفت.

۱ - پایه های بحران

مقدمه

برای اینکه تصویر روشنی از پایه های این بحران داشت، قبل از هر چیز باید خود بحران را تعریف کرد. بحران از دید جرج بوش تعریفی دارد، از دید جمهوری اسلامی تبیین دیگری و از دید آقای رضا پهلوی و آنتوارژ ناسیونالیسم پرو آمریکائی ایشان تعریف دیگری. و البته زورنالیسم نوکر و روشنفکران جیره خور بسته به اینکه از کدام " منبع " تغذیه " میشوند موضع همان " منبع " را در بوق کرده و تئوریزه میکنند.

آنچه در فضا جاری است و آنچه توسط احزاب و جریانات سیاسی تکرار میشود اساساً دو تبیین اصلی است که البته هر کدام شاخه های فرعی خود را دارند. اما این شاخه ها از همان شاخه اصلی تغذیه میکنند و افق، جهان بینی و تعاریف درست و غلط خود را از آنها میگیرند. این دو تبیین مستقیماً در خدمت اردوی جنگی است. می

گوئیم دو طرف فعلی، چون امید است که با تلاش آگاهانه ما طرف سومی، طرف منفعت انسانیت، طرف آزادی خواهی و برابری طلبی و طرف سوسیالیسم طبقه کارگر، که فعلاً به عنوان یک طرف اصلی غایب است، در این جدال شکل گیرد.

دو تبیین اصلی از بحران حول دو محور این جدال یعنی دولت آمریکا و دولت جمهوری اسلامی شکل گرفته است. تمام شاخه های تبیین اول صورت مسئله را از آمریکا پذیرفته اند. ظاهراً مسئله بر سر این است که جمهوری اسلامی در کار دست یافتن به تکنولوژی هسته ای (و گاه مگونیسی دست یافتن به سلاح هسته ای) است و این برای " جهان متمن " و " یا " جامعه بین المللی " قابل قبول نیست.

جناح افراطی این تبیین خواستار حل مسئله به زور است. جناح کمتر افراطی آن خواستار حل این مسئله از طریق فشار سیاسی و یا گاه فشار اقتصادی است. گفتیم که صورت مسئله هر دو جناح یکی است. راه حل های متفاوتی برای رسیدن به این مقصود واحد را دنبال میکنند. این تبیینی است که امروز تقریباً همه رسانه ها نوکر بدون سوال پذیرفته اند و این نقشی است که امروز، بعد از اشغال عراق توسط آمریکا، همه تحلیلگران و رسانه های جیره خور بطور طبیعی برای آمریکا پذیرفته اند. وقتی دولت آمریکا به کسی " اعتماد ندارد " میتواند برود دنبال " تغییر رژیم " (Regime Change) و نقش بقیه ایفای تعیین کننده " صلح آمیز ترین " و " کم درد ترین " راه برای تحقق این بی اعتمادی، یعنی صورت مسئله دولت آمریکا، است! این تبیین در طیف بندی سیاسی جامعه ایران در مدار های دور یا نزدیک ناسیونالیسم مدرنیست و پرو غرب ایران، ناسیونالیسم کرد و فرقه هائی چون مجاهدین و غیره را با خود به همراه دارد.

تبیین دوم حول خود جمهوری اسلامی میگردد. این تبیین دنیا را حول همان دو قطبی اسلام و شیطان بزرگ، مثلث آمریکا - اسرائیل - اسلام توضیح میدهد. با عروج احمدی نژاد و جریانی که عصاره و فشرده ارتجاع جمهوری اسلامی است، این تبیین مبنای بسیج نیروی اسلام سیاسی در ایران و در منطقه، تخفیف کشمکش های درونی جمهوری اسلامی، میلیتاریزه کردن جامعه، " فرعی کردن " سرنگونی، و بالاخره بسیج

ناسیونالیسم قدیمی تر شرق زده و " ضد امپریالیستی " در ایران و چپ " ضد امپریالیست " در اروپا است. در ادامه این بحث، هر یک از این تبیین ها را مورد موشکافی قرار میدهیم، شاخه های فرعی هر کدام را زیر زره بین قرار میدهیم و تناقض پایه ای اینها با ابتدائی ترین منفعت آزادی خواهانه و برابری طلبانه، با منفعت طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی در سراسر جهان نشان میدهیم.

نشان میدهیم که این جنگ ادامه سیاستی است که در حمله اول آمریکا به عراق و اشغال متعاقب عراق توسط آمریکا تعقیب شده است. نشان میدهیم که همانطور که در حمله اول آمریکا به خلیج " اشغال کویت " یک واقعیت اما یک بهانه برای تحقق سیاست نظم نوین جهانی آمریکا بود، همانگونه که در حمله بعدی آمریکا به عراق و اشغال این کشور " سلاح های کشتار جمعی " حسی واقعیت هم نداشت و تنها بهانه پوچی برای اعمال سیاست ضربه پیشگیرانه (PRE-EMPTIVE STRIKE)

دولت آمریکا بود. در جنگی که امروز دولت آمریکا در حال تدارک آن است، مسئله دست یابی به سلاح هسته ای، اگر هم " واقعیتی " در خود داشته باشد، بهانه تثبیت سیاست ضربه پیشگیرانه دولت آمریکا، تثبیت ژاندارمی آمریکا در جهان است. ادامه سیاست ضربه پیشگیرانه ای است که با " مشتکات " پیش آمده در عراق و به زیر سوال رفتن آن باید بار دیگر خود را تثبیت کند. نشان خواهیم داد که این جنگ طلبی نه ربطی به مبارزه مردم برای آزادی خواهی دارد و نه حتی ادامه جنگ تروریست های اسلامی علیه ادامه دو جنگ آمریکا در عراق است. با این مفروضات به وظایف کمونیست ها، طبقه کارگر، مردم آزادیخواه و حزب حکمتیست در این فضای جنگی و در جنگی که ممکن است به دنبال داشته باشد خواهیم پرداخت. کسانی که با ادبیات ما در دوران حمله اول آمریکا به عراق و حمله دوم و اشغال عراق توسط آمریکا آشنا هستند باید با پایه های این بحث آشنا باشند. برای کسانی که این آشنائی را ندارند، کمونیست ماهانه و سایت های حزب این اسناد را قابل دسترس خواهند کرد.

- ادامه دارد.

به حکمتیست ها به پیوندید!

بیانیه

"دفاع از آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان"

انتشار چند تصویر انتقادی از محمد، پیغمبر اسلام، در نشریات اروپایی موجی از حمله به حق آزادی عقیده و بیان را در سراسر جهان، برآه انداخته است. این حملات نه توسط مردم مسلمان، که توسط باندهای ارباب و سازمان دهندگان تحرکات ضد آزادی، در سراسر جهان برآه افتاده است.

تهدیدات اسلامی، ارباب و آتش زدن های پی در پی سفارتخانه ها و قتل و کشتار منتقدین اسلام، پیشروی جنبش تحمیل عقب گرد به بشریت متمدن است. باید در مقابل آن ایستاد و از دست آورد های بشریت معاصر دفاع کرد.

دفاع از آزادی عقیده و بیان، بی تردید نمی تواند توسط جنبش ها و نیرو هائی صورت بگیرد که هر گاه منافع سیاسی و اقتصادی شان اقتضا کند، دست آورد های تمدن معاصر، از حق بشر تا حق زن و آزادی عقیده و بیان، را یکی پس از دیگری به دستجات ارتجاعی تسلیم خواهند کرد. برآه افتاده موج معذرت خواهی و توجیه ممنوع کردن نقد اسلام، زیر فشار این ارباب فی الحال برآه افتاده است. امروز نقد اسلام را با هر توجیهی محدود و ممنوع میشود، فردا نقد هر عقیده و بیان و مذهب و مرام دیگری!

ما معتقدیم که آزادی عقیده و بیان مشروط و محدود نیست. و هیچ کس به هیچ بهانه و توجیهی حق محدود و مشروط و ممنوع کردن آن را ندارد.

ما همه سازمانها و احزاب و شخصیت های مدافع حقوق بشر، طرفداران آزادی حق بیان، حقوق زن، حقوق کودک، و نویسندگان و ژورنالیست ها و همه انسانهای آزادیخواه را دعوت میکنیم که از این بیانیه حمایت کنند و برای به کرسی نشاندن حق بی قید و شرط آزادی عقیده و بیان اقدام کنند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۸ مارس ۲۰۰۶

نشست کمیته خارج کشور حزب حکمتیست برگزار شد

بخش پایانی جلسه انتخاب دبیر و خزانه دار کمیته خارج کشور بود. نسان نودینیان بعنوان دبیر کمیته خارج کشور و لادن داور بعنوان خزانه دار کمیته انتخاب شدند.

لازم به یاد آوری است طبق طرح مصوب کنفرانس اول تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست کمیته خارج کشور متشکل از جمع متمرکز کمیته و دبیران کمیته های اصلی و مسئولین کشوری است. اعضای کمیته خارج کشور عبارتند از:

داریوش نیکنام - سعید آرمان - همایون گدازگر - مینو همیلی - بیریما مولود نژاد - حسام منتظری - کیوان آذری - رضا محمدی - محمود قزوینی - اسماعیل ویسی - پیام آذر - محمود زندگی - محمد محمدی - محمود رهبری - جلال محمودزاده - لادن داور - نسان نودینیان

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۴ مارس ۲۰۰۶

تماس با دبیر کمیته خارج کشور

Nasan_nodinian@yahoo.de

۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

در دوم مارس ۲۰۰۶ اولین نشست کمیته منتخب کنفرانس اول تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست، به منظور تصویب اولویتهای حزب در خارج کشور، انتخاب دبیر و خزانه دار کمیته و تعیین روش و سبک کار کمیته خارج، با شرکت اکثریت اعضای کمیته و رحمان حسین زاده معاون لیبر حزب برگزار شد.

در بخش اول این نشست رحمان حسین زاده بر مبنای بحث اولویتهای حزب در خارج کشور که در اولین کنفرانس سالانه ارائه کرده بود، مجددا محورهای اساسی اولویتهای را تشریح نمود.

بر این اساس حزب حکمتیست در خارج کشور در دوره آتی بر محور این اولویتهای فعالیتهای خود را متمرکز خواهد کرد

۱- حضور موثر در فضای سیاسی ایرانیان

۲- ایجاد سازمان محکم حزبی

۳- ابراز وجود تشکیلات در عرصه های اجتماعی

۴- امکان سازی مالی

در بخش دوم جلسه نسان نودینیان ضوابط، روش و سبک کار، و جلسات کمیته خارج در سطح جمع متمرکز و در سطح نشستهای وسیع کمیته خارج را ارائه داد.

تماس با حزب

کوروش مدرسی

لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن

+44(0)7748 630833

رحمان حسین زاده

معاون لیبر حزب

husienzade_r@yahoo.com

تلفن

+46 73 98 55 837

فاتح شیخ

رئیس دفتر سیاسی

fateh_sh@yahoo.com

تلفن

+46-704 717 512

عبدالله دارابی

فرمانده سراسری

گازداری

darabi.a@mail.com

تلفن

0046704752163

حسین مرادیگی

دبیر کمیته گردستن

h_moradbeigi@yahoo.com

تلفن

+447916213634

+46762737560

نسان نودینیان
دبیر تشکیلات خارج
کشور

Nasan_nodinian@yahoo.de

تلفن

+44(0) 781 590 22 37

بهرام مدرسی

دبیر کمیته داخل

bahramsik@yahoo.com

تلفن

+49 174 944 02 01

تولوزیون پرتو

mostaf.asadpoor@gamil.com

تلفن

+46 (0) 70 7399868

تکران همان قدر بود که
تولوزیون پرتو
۲۰۰۵
سازمان کارگری

حکمت ۲

لتره ای تکران - سیاسی از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کوشش مدرسی، جو با اختیار، منصور حکمت و فن ارائه اسناد در تاریخ، حدود روزی دو صد مقاله و بیست و هفت کتاب، کوشش مدرسی حزب کمونیست و قدرت سیاسی (نسخه دوم)، نسان حسین زاده، اوضاع سیاسی ایران و نقشه راه، روح فرزند، طوفان کارگر با کلمه، عدل، تقوی، نام و نامهربانی، کوشش مدرسی، حسین مرادیگی، حزب دمکرات از خودمختاری تا فدرالیسم، نسان حسین مرادیگی، خودمختاری و کوشش کارگری، نشر، نسان حسین زاده، نقشه جین، آزادی در کوشش، نشر، کوشش، آزادی، آله و سلم و عمل، سطح جین، حسین مرادیگی، نمانده امر کریمی و نمانده طایر، کوشش مدرسی، کوشش و آینه، هزاره آینه، نمانده کارگری با نمانده نمانده، در باره کار نمانده، رفانده، جنگ و سرنگونی جمهوری اسلامی، منصور سرنگونی جمهوری اسلامی

منصور حکمت
آناونی لیدر الیم چه

حکمت را توزیع کنید!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!